

## حوادث۱۹جاذبه

#### تلنگر

#### ✚ مجازات مرگ

#### برای زن شوهرکش

قضات دادگاه جنایی تهران دیروز زن میانسال را که همسرش را با شلیک گلوله ساچمه‌ای کشته بود به قصاص محکوم کردند. دختر نوجوان وی نیز به خاطر معاونت در قتل به پنج سال زندان محکوم کردند.
به گزارش خبرنگار جام جم، نیمه شب پنجم تیر سال ۹۶ مرد ۴۵ ساله‌ای به نام فرهاد در خانه‌اش با شلیک گلوله سلاح ساچمه‌ای به سرش کشته شد.پسرنوجوان قربانی ادعا می‌کرد پدرش هنگام کار کردن با سلاح ساچمه‌ای خراب دستش اشتباهی روی ماشه رفته و به سرش شلیک کرده است.
وقتی گزارش کارشناسان اسلحه‌شناسی این ادعا را رد کرد پسر نوجوان گشت مادرش دست به جنایت زده است.

به این ترتیب الهام ۴۲ ساله تحت بازجویی قرار گرفت و به قتل اعتراف کرد. وی گفت همسرم را به خاطر اختلاف‌های خانوادگی کشتم و دختر و پسر ۱۶ و ۱۷ ساله‌ام نیز در این ماجرا با من همدستی داشتند. این زن به اتهام قتل و دو فرزندش به اتهام معاونت در جنایت در شعبه چهارم دادگاه کیفری يك استان تهران پای میز محاکمه ایستادند.

در آن جلسه الهام گفت: شوهرم همیشه به من بی‌توجه بود.از این وضعیت خسته شده بودم. تا این‌که در فضای مجازی با پسر جوانی آشنا شدم. مدتی بود تلفنی با او صحبت می‌کردم تا این‌که هم فرسرم به این رابطه پی برد و همین موضوع باعث شد اختلاف های من و همسرم بیشتر شود. یک بار شوهرم گوشی تلفن همراهم را گرفت و پیامک‌هایی که به مرد غریبه ارسال کرده بودم را دید. آنجا بود که درگیری من و شوهرم شدت گرفت و تصمیم به قتل او گرفتم. پسر و دخترم هم در جریان این ماجرا بودند. تا این‌که با کمک آنها مادر شوهرم را با شلیک گلوله ساچمه‌ای کشتم، سپس دختر و پسر نوجوان قربانی به دفاع پرداختند. دختر نوجوان گفت: مادرم همیشه با پدرم درگیر بود و به من گفته بود قصد دارد برای همیشه از دست پدرم خلاص شود. اما برادرش گفت: زمانی که مادرم دست به قتل پدرمان زد من در اتاق خواب بودم. من از نقشه او برای قتل اطلاعی نداشتم.

دیروز قضات با توجه به مدرک‌های موجود در پرونده و همچنین درخواست اولیای دم، الهام را به قصاص محکوم کردند. دختر نوجوان نیز به پنج سال نگهداری در کانون اصلاح و تربیت محکوم شد. قضات پسر نوجوان را از اتهام معاونت در قتل تبرئه کردند.

#### ✚ پولشویی ۲میلیارد تومانی

#### در سایت قماربازی

سه گرداننده سایت قماربازی که بیش از دو میلیارد تومان پولشویی کرده بودند، بازداشت شدند.

سرهنگ مهدی دانش پور، رئیس پلیس فتا کردستان به سایت پلیس گفت: گزارشی از کارگروه تعیین مصادیق مجرمانه فضای مجازی مبنی بر فعالیت مجرمانه فرد یا افرادی در فضای مجازی با موضوع قماربازی اینترنتی به نشانی یکی از سایت‌های خارجی به این پلیس گزارش و تحقیقات پلیس فتا آغاز شد. در جریان تحقیقات معلوم شد پرداخت‌های مالی این شرکت، از طریق يك درگاه پرداخت بانکی که به ظاهر درخصوص خرید و فروش لپ‌تاپ فعالیت داشت انجام شده بود و گردانندگان سایت‌از طریق اجاره این‌گونه درگاه‌های بانکی اقدام به پولشویی کرده‌اند.

وی افزود: مالکان سه درگاه بانکی که در این خصوص فعالیت داشتند، مورد شناسایی قرار گرفته و پس از هماهنگی قضایی هر سه متهم دستگیر شدند. متهمان در تحقیقات مدعی شدند: فردی که با یکی از آنها نسبت فامیلی دارد، پیشنهاد این کار را داده و این درگاه‌های بانکی را در اختیار آنها قرار داده بود. حالا هم اطلاعی از او ندارند.

دانش پور ادامه داد: سرانجام سرکرده باند هم در یکی از استان‌های شمالی شناسایی و بازداشت و تعداد ۳۴ عدد کارت بانکی که متعلق به افراد مختلف بود از مخفیگاهش کشف شد. او در بازجویی پلیسی اعتراف کرد برادرش مالک سایت بوده و ساکن یکی از کشورهای خارجی است که برای تسهیل در نقد کردن مبالغ شرط‌بندی در ایران نفراتی را از طریق او استخدام کرده که این افراد نسبت به اجاره کارت‌ها و درگاه‌های بانکی اقدام می‌کنند.

وی گفت: در بررسی سایر حساب‌های نامبرده گردش حسابدی به مبلغ دو میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان به‌دست آمده است.



اولیه حاکی بود که افرادی زیر این آوار محبوس شده‌اند. آتش‌نشانان بعد از ایمن سازی محل، عملیات آواربرداری و خاکبرداری را آغاز کردند. در زمان اولیه عملیات مرد ۲۷ ساله افغان را که مصدوم شده بود زنده از زیر آوار خارج کردند. در ادامه عملیات جسد زن ۳۰ ساله از زیر آوار کشف شد.

گزارش شد، آتش‌نشانان سه ایستگاه برای امداد رسانی در محل حاضر شدند. در این حادثه يك بنای يك طبقه قدیمی در مجاورت يك زمین گودبرداری شده به وسعت حدود ۴۰۰ متر تخریب شده بود. در طبقه زیرزمین این ساختمان اتفاق کوچکی مانند آب‌انبار وجود داشت که آن هم تخریب شده بود. اطلاعات

### ذره بین

### پیگیری یک وعده

مهم‌ترین معضلی که بسیاری از مراکز فوریت‌های پزشکی با آن مواجه هستند، پیدا کردن نشانی بیمار یا مصدوم است که با آنها تماس گرفته شده است. مشکلی که اورژانس اصفهان در امداد رسانی به مادر تبسم نیز با آن مواجه بود.
پس از انتشار فایل صوتی تبسم، امیر ناظمی، معاون وزیر ارتباطات با يك پیام توییتری از عزم وزارت ارتباطات برای حل این معضل خبر داد و گفت: «صبح فیلم تماس کودک با اورژانس را دیدم. از ناراحتی بغضم گرفت. در حاشیه جلسه صبح، با زیرساخت و سپس در حاشیه جلسه با وزارت بهداشت هماهنگ شد تا يك ماه آینده، موقعیت فرد تماس گیرنده به‌صورت اتوماتيك به اورژانس‌ها داده شود.»
پس از گذشت دو ماه از این وعده، ناظمی در پاسخ به سوال جام جم مبنی بر عملی شدن وعده وزارت ارتباطات گفت: «این موضوع پیاده‌سازی شده و به لحاظ فنی اقدامات لازم را انجام داده‌ایم و هیچ مشکلی وجود ندارد. تنها به يك‌سری تاییدیه‌های امنیتی نیاز دارد و منتظر آن تاییدیه‌ها هستیم که امیدواریم زودتر عملیاتی شود و موضوع را اعلام کنیم. چون هنوز منتظر هستیم، فعلا نمی‌توانم زمان مشخصی را تعیین کنم.»

هم هستیم.»
شش سال از جدایی‌مان می‌گذرد و در این مدت حتی یک‌بار هم نایمده دخترش را ببیند.
درمانی از مرگ نجات پیدا کرد. صبح فردای روز حادثه، وقتی به هوش آمد و حالش بهتر شد، به خانه برگشت. برخلاف انتظارش، صاحب‌خانه به عیادتش نیامد و عذرش را خواست. خانه را تخلیه کرد و به‌سختی توانست جای دیگری را برای زندگی پیدا کند.

#### ✚ کاش شغل خوبی داشتیم

مادر زیاد نمی‌خندد. پس از هر کلمه‌ای‌که می‌گوید، يك آه بلند هم می‌کشد. ۲۶ سال بیشتر ندارد، اما می‌گوید بیشتر از سن‌اش درد و رنج در زندگی داشته است. «با شوهرم سازگاری نداشتیم. قرار دهند، اما گفتند چون خانواده داری تحت پوشش قرار نمی‌گیری. خانواده‌ام را دوست دارم، اما به‌خاطر بازیگوش بودن تبسم نمی‌توانم با آنها زندگی کنم. تحمل ندارم تبسم را دعوا کنند.»
آخرین شغلی که مادر داشت فروشنده‌گی بود، اما از وقتی از بیمارستان مرخص شده، شغلش را از دست داده و حالا بی‌کار است. تورم و نداشتن شغل و درآمد، مهم‌ترین نگرانی مادر تبسم است و به‌خاطرش شب‌ها نمی‌تواند راحت سر به بالین بگذارد. می‌گوید اگر شغلی با درآمد خوب داشت، دیگر دغدغه‌ای نداشت و می‌توانست زندگی خود و دختر کوچولویش را تامین کند. ✚

#### زاننده تاکسی، قربانی درگیری خیابانی شد

## سمند بدشگون!

خودروی سمند را تازه خریده بودم. آن روز قرار بود برای ثبت سند آن به دفترخانه برویم و از طرفی برای خانواده‌ام هم شیرینی بگیرم. در تقاطع توحید، خودروی پژوی تاکسی در حرکت بود و مدام بوق می‌زد تا راه را برایش باز کنم. هر چه گفتم راه بسته است و این قدر بوق زنن توجهی نکرد. برسر همین بوق‌زدن‌ها دعوی‌امان شد و کار به فحاشی کشیده شد. هردو از خودرویمان پیاده و درگیر زندگی بودند و در ره‌گذران دعوا پایان گرفت. من و همسرم سوار خودرو شدیم اما راننده پژو دست‌بردار نبود و می‌خواست سdraهم شود که ناگهان بد حال شد و روی زمین افتاد. او را به بیمارستان رساندیم اما بی‌فایده بود.
این در حالی بود که پزشکی قانونی اعلام کرد راننده ۶۰ ساله براثر سکنه قلبی فوت شده و دعوائیز باعث تشدید حال او شده است. بنابراین برای این زوج جوان به اتهام تسبیب در قتل غیرعمدی قرار قانونی صادر شد.

#### سارق آبمیوه‌ای در دام پلیس

در جست‌وجوی سارق بود تا این‌که ۲۵ خرداد امسال ماموران کلانتری حصار امیرورامین هنگام گشت‌زنی، موتور سرقتی را یافتند و بعد از تعقیب و گریز آن را متوقف کردند و سرنشین آن بازداشت شد. سارق جوان بازجویی شد و اعتراف کرد که با طرح دوستی مردان را فریب داده و با راه یافتن به خانه آنها به این افراد آبمیوه مسموم تعارف می‌کرده و بعد از بیهوش شدن بول، اموال و موتورسیکلت‌هایشان را به سرقت می‌برده است. سرهنگ کارآگاه علی علیخانی، رئیس پایگاه هشتم پلیس آگاهی پایتخت گفت:

با درخواست بازپرس شعبه نهم دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۱۱ تصویر متهم بدون پوشش چهره برای شناسایی شاکیان در روزنامه چاپ می‌شود تا مالباختگان برای پیگیری پرونده‌هایشان به دادسرا یا پلیس آگاهی مراجعه‌کنند.



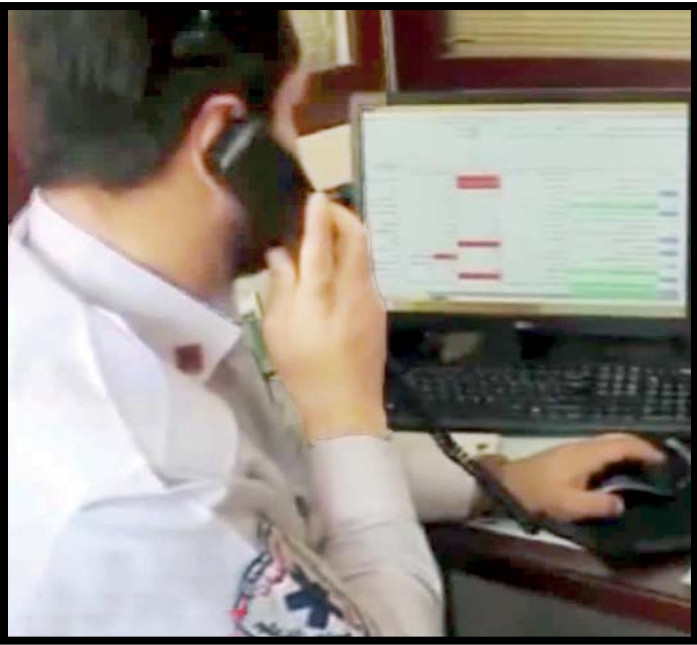
مرد جوان بعد از طرح دوستی با طعمه‌هایش، آنها را با آبمیوه مسموم بیهوش و اموالشان را سرقت می‌کرد. به گزارش جام جم، هفتم اردیبهشت امسال مردی با حضور در پایگاه هشتم پلیس آگاهی تهران از فردی به اتهام بیهوش کردن او و سرقت موتورسیکلتش شکایت کرد. شاکی به افسر تحقیق گفت: در خیابان با مردی آشنا شدم و دوستی‌مان شکل گرفت. بعد از اعتماد به وی چون نزدیک خانه‌ام بودیم او را به آنجا دعوت کردم. او از مغازه‌ای در همان حوالی آبمیوه خرید. بعد از آن وارد خانه‌ام شدیم. از من خواست دو لیوان بیاورم تا آبمیوه‌ها گرم نشده آن را بنوشیم که قبول کردم. بعد از نوشیدن آبمیوه بیهوش شدم و ساعاتی بعد که به‌هوش آمدم از مرد مهمان خبری نبود و متوجه سرقت موتورم شدم.

بعد از این شکایت، پلیس

### ریزش مرگبار آوار

ریزش ساختمان در خیابان طالقانی وردآورد به مرگ یک زن و مصدومیت مرد جوانی منجر شد.

جلال ملکی، سخنگوی سازمان آتش نشانی تهران به جام جم گفت: ساعت ۱۰ روز دوشنبه يك مورد حادثه آوار ساختمان در خیابان طالقانی وردآورد به آتش‌نشانی



### گفت‌وگو با دختر ۵ ساله اصفهانی که تماسش با اورژانس خبرساز شده بود

# مادرم په ذره مُرد!

#### ✚ دو ماه و نیم پیش، انتشار فایل صوتی دختر شش ساله‌ای‌که با

زبانی‌کودکانه از اورژانس ۱۱۵ اصفهان برای نجات جان مادرش کمک می‌خواست در شبکه‌های اجتماعی خبرساز شد. یکی از کارشناسان اورژانس اصفهان، با صبر و آرامش با دخترک صحبت کرد و توانست آدرس دقیق خانه را پیدا و با اعزام آمبولانس، جان مادر را نجات دهد. آن زمان تلاش

زیادی کردیم تا با مادر و دختر صحبت کنیم، اما بنا به وضعیت جسمی و روحی مادر این اتفاق نیفتاد تا این‌که با بهبود حال مادر و پیگیری اورژانس اصفهان شرایط برای مصاحبه با مادر و تبسم زیبا و شیرین زبان مهیا شد. سراغ آنها رفتیم تا از آن شب بر ایمان تعریف‌کنند.

با کاری که تبسم کوچولو انجام داد، حالا حال مادر خوب است و به زندگی لبخند می‌زند.

مادر از روز حادثه می‌گوید: «من داروی اعصاب و روان مصرف می‌کنم. طبق تجویز پزشک باید نصف قرص بخورم، اما آن روز حواسم نبود و داروها را با دوز بالا مصرف کردم. چند دقیقه که گذشت، حالم بد شد. نمی‌توانستم چشمانم

## تحقیقات دوباره بر روی يك پرونده پیچیده

## با دستور دادستان

مراسم قسامه در پرونده سقوط مرموز زن میانسال از بالکن خانه‌اش به خاطر اظهارات دختر دانشجوی قربانی برگزار نشد تا بار دیگر تحقیقات از پدر خانواده، به عنوان تنها مظنون پرونده از سر گرفته شود.

به گزارش خبرنگار جام جم، اول فروردین ۹۶ به کلانتری ۱۱۹ مهرآباد خبر رسید یک زن ۴۶ ساله به نام اعظم از بالکن خانه‌اش در خیابان شمشیری به پایین سقوط کرده و به بیمارستان منتقل شده است. پلیس به تحقیق پرداخت و دختر ۲۲ ساله اعظم گفت: پدرش پس از درگیری، مادرش را به پایین پرتاب کرده است. دو روز از سقوط مرموز گذشته بود که زن میانسال در بیمارستان تسلیم مرگ شد و همسر ۵۰ ساله‌اش به نام حسین تحت بازجویی قرار گرفت. این مرد ادعا کرد همسرش از افسردگی رنج می‌برده و به همین دلیل خودکشی کرده است.

حسین در شعبه هشتم دادگاه کیفری يك استان تهران پای میز محاکمه ایستاد و گفت: با همسرم اختلاف داشتم اما من او را نکشتم. رزم عصبی و پرخاشگر بود و او بیماری افسردگی رنج می‌برد. من او را دوست داشتم که متأسفانه خودکشی کرد. دخترم به خاطر این‌که با ازدواج او با یکی از بستگان مادری‌اش مخالفت کرده بودم و همیشه در مورد حجاب او سختگیری می‌کردم از من کینه به دل دارد و به همین دلیل علیه من شهادت داده است.

در پایان جلسه ، قضات پرونده را به دادسرا برگرداندند و بازپرس پرونده پس از تکمیل تحقیقات پرونده را لوژ تشخیص داد و پیشنهاد برگزاری مراسم قسامه را مطرح کرد. به این ترتیب پرونده بار دیگر در دادگاه تحت رسیدگی قرار گرفت. در آن جلسه دختر قربانی گفت: من دانشجو هستم. از زمانی که به یاد دارم پدر و مادر همیشه با هم درگیر بودند. حتی به مادرم پیشنهاد داده بودم از پدرم جدا شود، اما قبول نمی‌کرد. مادرم زن مومن و با ایمانی بود و مطمئن هستم خودکشی نکرده است. ولی هرگز در این سال‌ها ندیده بودم پدرم نماز بخواند.

وی درباره نحوه مرگ مادرش گفت: صبح با صدای دعای پدر و مادرم بیدار شدم. پدرم لباس مادرم را می‌کشید و او را دور خانه می‌چرخاند. مادرم از دست پدرم فرار کرد و به اتاق خواب رفت و در را قفل کرد، اما پدرم در را شکست. مادرم از ترسش به بالکن فرار کرده بود و من از پشت سر دیدم پدرم، مادرم را به پایین پرت کرد و خودش خون‌رودی میل نشست.